فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۱۳
صفحات ۶۹-۵۷

اثرات اجتماعی – اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی
مورد: دهستان کرسف

فرهاد عزیزپور*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
زهرا خداکرمی؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۷/۸

چکیده

بخش کشاورزی با نقش‌پذیری اصلی در نظام اقتصادی روستا، زمینه تحول آن را در ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم نموده است. از این رو می‌تواند نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار روستایی ایفاء نماید. برای تحقق این امر، منابع سرمایه‌ای طبیعی، اجتماعی، انسانی و مالی از اهمیت برخوردار هستند. در این میان، سرمایه مالی دارای نقش بیشتری است. مزیت مکانی نسبتا پایین روستا به همراه منابع سرمایه مالی کم در آن، سبب شده تا جریان سرمایه به بخش کشاورزی کاهش یابد. این چالش، سبب شده تا دولت حمایت بخش کشاورزی را با توجه به نظام بهره‌برداری فردی در قالب طرح اعطای اعتبارات خرد مدنظر قرار دهد. اجرای این طرح، اثراتی بر ابعاد مختلف توسعه سکونتگاه‌های روستایی داشته است. این مقاله، سعی نموده با رویکردی پیامدگرا به تبیین اثرات اجتماعی – اقتصادی آن بپردازد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی – تحلیلی است. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه دهستان کرسف و جامعه آماری، روستاییان و کارشناسان کشاورزی و مالی آن دهستان بوده است. با توجه به دو جامعه آماری مورد مطالعه، از کل واحدهای بهره‌بردار که در بین سالهای ۸۵- ۹۲حداقل یکبار وام دریافت کرده‌اند، ۱۵۷ نفر با استفاده از فرمول تعیین حجم کوکران به‌عنوان حجم نمونه مشخص شده و نمونه‌گیری این جامعه آماری با روش طبقه‌ای و تصادفی صورت گرفته است. از جامعه کارشناسان با توجه به اهمیت معیار سطح دانش و آگاهی آنها از مسئله، با نمونه‌گیری هدفمند ۱۵ نفر از کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و بانک کشاورزی انتخاب شده است. برای تحلیل اطلاعات تکنیک آزمون T تک نمونه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اعتبارات خرد کشاورزی تأثیر یکسان و یکپارچه بر شاخص های ابعاد توسعه بویژه ابعاد اجتماعی – اقتصادی ندارد و سازوکار اجرایی اعطای اعتبارات خرد کشاورزی متأثر از رویکرد سنتی (رشد اقتصادی) از کارآمدی لازم برخوردار نیست. در این ساختار، مدیریت متمرکز (از بالا به پایین) و روابط رسمی و قانونی سبب شده تا منابع مالی ماهیتی محلی و متکی بر پس اندازهای خرد مردم نبوده و از پایداری برخوردار نباشد.

واژگان کلیدی: اعتبارات خرد کشاورزی، تو سعه روستایی، ابعاد توسعه، دهستان کرسف.

* Email: azizpourf@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

۱) مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی، شکل پیچیده و نظام‌واری از پدیده‌هاست که هر گونه تغییر در جزئی از آن، تغییر در ساخت، کارکرد و چشم‌انداز جغرافیایی آن خواهد داشت (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۱). اجزای نظام روستایی مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی– اقتصادی، الگوی توزیع منابع و شیوه‌های تولید مربوط به خود است و نظام روستایی را می‌توان مجموعه ای از اجزای یاد شده تعریف کرد که در کنش متقابل با یکدیگر قرار دارند (هجرتی، ۱۳۷۹: ۴). عرصه‌های روستایی به‌عنوان فضاهای محدود جغرافیایی به‌شمار می‌آیند که از عملکرد انسان بر روی محیط طبیعی از یک طرف و تأثیر نیروهای بیرونی بر عرصه‌های روستایی از سوی دیگر، در طول زمان شکل گرفته و دچار تغییرات و تحولات گشته است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۱).

برخی از این تحولات، متأثر از اقدامات دولتی (از جمله توسعه خدمات زیرساختی و رفاهی)، اگرچه زمینه‌های بهبود وضعیت را برای روستاها در برخی از ابعاد به‌دنبال داشته است ولی هنوز، فقر به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی این عرصه فضایی در گستره کشور است که روستاییان با آن دست به گریبان هستند. روند سریع تحولات توسعه‌ای و افزایش جمعیت کل کشور با اولویت جمعیت شهرنشین و کاهش سهم جمعیت روستایی و عشایری که ساختار و بستر اجتماعی و جمعیتی توسعه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است، از یکسو و اقتصاد وابسته به نفت و توزیع درآمدهای کلان غیرمالیاتی از سوی دولت به شیوه ای متمرکز و تحت تأثیر الگوهای شهرنشینی از دیگر سو، اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در انباشت ثروت و ظهور پدیده فقر به شیوه نوین در ایران (به‌ویژه روستاها) بوده است (عمادی، ۱۳۸۴: ۲۹۴).

جدا از روندهای کلی مؤثر بر بروز فقر در روستاهای کشور، چالش‌های اقتصادی نظیر فرصت‌های محدود اشتغال، دسترسی محدود به سرمایه و نقدینگی به‌منظور افزایش توان تولید و بکارگیری فناوری نوین در بخش کشاورزی سبب شده است تا این مشکل اساسی به‌عنوان «بحران پایدار» تداوم یابد. کشاورزی در ساختار روستا به‌عنوان یک زیرسیستم اساسی از سیستم روستایی، اقتصاد روستا را تشکیل می‌دهد و به سیستم روستا حیات می‌بخشد (مطیعی‌لنگرودی و شمسایی،۱۳۸۶: ۸۸). از این رو، تحول این نظام متناسب با تقاضای بازار می‌تواند زمینه انباشت سرمایه و تحول اقتصاد واحدهای بهره‌برداری روستایی و کاهش فقر را به‌دنبال داشته باشد. ولی، محدود بودن سرمایه مالی در روستاها از یک طرف و عدم انطباق شرایط واحدهای بهره‌بردار روستایی با قوانین و مقرارت نهادهای مالی شهری سبب شده تا منابع مالی مورد نیاز روستاییان برای این بخش فراهم نشود. البته در این بین بایستی به پایین بودن بازده دو عامل تولیدی کار و به‌ویژه سرمایه نیز در این بخش اشاره کرد؛ چراکه، این وضعیت انگیزه نهادهای مالی را برای سرمایه گذاری در بخش کشاورزی کمتر نموده است.

برای برون رفت از این وضعیت، درچارچوب سیاست‌های توسعه روستایی یکی از راه حل‌های رفع مشکل مالی کشاورزان، اعطای اعتبارات خرد است(Escap,1994). این سازوکار که شاید بتواند نابسامانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

عمده نظام اقتصادی یعنی به فراموشی سپردن فقرای [روستایی] را بر طرف سازد، در دهه گذشته مورد استقبال فراوان واقع شده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این توفیق به حدی بوده که سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نامید. اعتبارات خرد را می‌توان فعالیت‌های مالی و اعتباری کوچک، کوتاه مدت و آسان (بدون وثیقه) نامید که با اهدافی چون توانمندسازی [محرومان]، فقر ستیزی، عدالت محوری و فرصت آفرینی به فعالیت‌های سودآور و پایدار (به‌ویژه کشاورزی) اقدام می‌نمایند (نوری‌نائینی، ۱۳۸۴: ۸).

بر این اساس، با توجه به اهداف عام اعتبارات خرد (برطرف کردن نیازهای کوتاه مدت و تأمین سرمایه، به‌منظور ایجاد شغل) و اهداف خاص در بخش کشاورزی (کمک به سرمایه کشاورز برای نیازهای فردی از قبیل خرید کود کشاورزی، کمک به کشاورز برای عدم نیاز برای مراجعه به بخش غیررسمی مالی و دنبال کردن اهداف عدالت اجتماعی و کمک به توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمد بین جوامع روستایی و جوامع شهری) از یک طرف و کمبود سرمایه و اعتبار به‌عنوان عامل بازدارنده در مسیر کاربرد و پذیرش فناوری‌های جدید توسط کشاورزان کوچک و انتقال کشاورزی سنتی به پیشرفته از طرف دیگر، اهمیت اعتبارات خرد را در توسعه کشاورزی و نهایتا توسعه روستایی دو چندان نموده است (بختیاری،۱۳۸۴: ۲۰ ؛ باقری،۱۳۸۰: ۳۰).

دهستان کرسف شهرستان خدابنده در استان زنجان یکی از نواحی روستایی کشور است که سهم بخش کشاورزی در اقتصاد آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. بهره‌برداران کشاورز این ناحیه، به‌علت سطح درآمد نسبتا پایین و سازوکاری بورکراتیک حاکم بر نظام بانکی کشور در تأمین منابع مالی برای توسعه فعالیت کشاورزی، انگیزه استفاده از اعتبارات خرد را در آنها برانگیخت. به طوری که، در سال‌های ۱۳۸۵- ۱۳۹۲، ۳۰ هزار فقره اعتبار به کشاورزان این منطقه تعلق گرفت. تقریبا در حدود ۶۶ میلیارد تومان، اعتبار خرد در این فضا تزریق شد(جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲). این اقدام، اثراتی را برای روستاییان در بخش کشاورزی و متعاقب آن در توسعه روستایی ناحیه مورد مطالعه داشته است. تحقیق حاضر تلاش دارد، اثربخشی این اعتبارات را که عمدتا در بخش کشاورزی وارد شده است را مورد ارزیابی قرار دهد. در این راستا سوالات اساسی زیر طرح شده است:

- اعتبارات خرد کشاورزی تخصیص یافته به ناحیه، در چه زمینه‌هایی بوده است؟
- اعتبارات خرد، دارای چه اثرات اقتصادی و اجتماعی بر روستاهای ناحیه بوده است؟
- چه عواملی بر نحوه اثربخشی اعتبارات خرد کشاورزی در ناحیه روستایی مورد مطالعه مؤثر است؟

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

۲) مبانی نظری

زندگی فرآیندی چندبعدی، پویا، مداوم و پیچیده از فعالیت‌های زیستی، تولیدی، توزیعی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی، فناوری و اقتصادی است. بنابراین، توسعه روستایی باید با هدف بهبود کیفیت زندگی، تولید، اشتغال، آموزش، مسکن، بهداشت، اوقات فراغت و تحولات مستمر آنها را بر اساس نظر و مشارکت خود روستاییان و بر مبنای ارزش‌ها، اولویت‌ها و توانمندی‌های‌شان سامان بخشد (نوری‌نائینی، ۱۳۸۴: ۱۲؛ عمادی، ۱۳۸۴: ۷). رویکردهای توسعه از گذشته تا به امروز، آنهایی که تحقق توسعه را مبتنی بر رشد صرف و تأکید بر ظرفیت‌های بیرونی می‌دانند و یا آنهایی که نگاه به درون، تأکید بر برابری و عدالت و برنامه‌ریزی متمرکز را اساس توسعه می‌دانند، هیچکدام نمی‌توانند جامعه روستایی را به سرمنزل مقصود برسانند. سودآوری، امنیت، مشارکت، نوآوری، پایداری، ارزش‌مداری و احساس مالکیت مفاهیم اساسی، پارادایمی است که در آن توسعه مبتنی بر ویژگی‌های ماهوی و عرضی روستا با بهره‌گیری از فرصت‌های برون سیستمی آن است.

اعتبارات خرد با برخورداری از ویژگی‌های گروهی بودن، قابلیت انعطاف، مردمی بودن و تکیه بر عدالت اجتماعی، پایداری، سودآوری، ایجاد امنیت و فقرستیزی، به‌عنوان یکی از راهبردهای قدرتمند توانمندسازی جوامع محلی در چارچوب پارادایم جدید (توسعه پایدار روستایی) است. (نوری نائینی، ۱۳۸۴: ۱۲، سلامی و طلاچی لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۴). اعتبارات خرد جزئی از چرخه تأمین مالی توسعه پایدار روستایی است (Douglas, 2003)؛ در واقع، وسیله‌ای برای دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف بالاخص اقتصاد روستا شده و زمینه‌ساز پس‌انداز، یکپارچه ساختن بازارهای روستایی و افزایش قدرت کشاورزان به‌شمار می‌رود (Khander, 1998;Seibel, 2001).

اعتبارات خرد بخش کشاورزی، به‌عنوان اقتصاد پایه فضاهای روستایی به شیوه‌های مختلف همچون حفر و تجهیز چاه، آبیاری تحت فشار، خرید ماشین آلات کشاورزی و خرید بذر، خرید کود کشاورزی، و تهیه سموم برای دفع آفات نباتی به‌کار گرفته شده است. ورود این اعتبارات به‌عنوان فرصت بیرونی و تبدیل آن به نقطه قوت از طریق تحول بخش کشاورزی (تغییر نوع کشت، یکپارچه سازی اراضی، افزایش راندمان تولید) که جزء ویژگی ماهوی روستا قلمداد می‌گردد، زمینه ارتقای شاخص‌های توسعه از جمله افزایش درآمد، افزایش بهره‌وری و کارآیی، ایجاد امنیت، افزایش اشتغال، بهبود وضعیت مساکن روستایی و در نهایت کاهش فقر و مهاجرت در روستاها شده است. تحقق این اهداف در چارچوب اعطای اعتبارات خرد، متأثر از دو گرایش فکری متفاوتی قرار دارد. چارچوب مفهومی این دو گرایش به شرح جدول زیر است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

جدول شماره(۱): انگاره‌های نظری نحوه اثربخشی مثبت اعتبارات خرد

مؤلفه‌ها	انگاره سنتی	انگاره جدید
هدف	سرمایه‌گذاری، سوداگری سرمایه و سودآوری	توانمندسازی و رفع فقر از طریق به جریان انداختن سرمایه و ایجاد فرصت اشتغال، تقویت ثروت اجتماعی و تولید
مخاطبان	تولیدکنندگان و کشاورزی بزرگ و غالبا مردان	روستاییان و فقرا با اولویت زنان
منابع مالی مورد نظر	منابع دولتی و بازار سرمایه بیرونی و شهری	منابع محلی و پس‌اندازهای خرد مردم محلی
شیوه مدیریت	متمرکزو از بالا به پایین	غیرمتمرکز و متکی به مردم
سازمان کار	دولتی با بنگاه‌های مالی و سازمان‌های بزرگ	متنوع، شبکه‌ای و متناسب با اندازه اقتصادی
شیوه فعالیت	روابط رسمی و قانونی	روابط غیررسمی در چارچوب قواعد بومی

منبع: عمادی، ۱۳۸۴: ۱۱- ۱۲.

اعتبارات خرد به‌عنوان راهبردی برای برون رفت از فقر در فضاهای روستایی در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بسیاری از کشورهای آسیایی به‌ویژه کشورهای جنوب و جنوب شرق قرار گرفت. یکی از تجارب موفق در خصوص پرداخت تسهیلات مالی (اعتبارات خرد) به روستاییان فقیر مربوط به کشور بنگلادش با تأسیس گرامین بانک[1] است. این بانک در سال ۱۹۷۶ با هدف کمک به توده‌های فقیر جامعه بویژه روستاییان تأسیس شد. ارزشیابی اقدامات این بانک حاکی از موفقیت آن در ایجاد اشتغال، فقرزدایی، روحیه اعتماد به نفس و خوداتکایی سرپرست خانوارهای روستایی است (Tilakaratan,1996). تجربه عملی کشورهای آسیایی نشان دهنده این است که اعتبارات و سرمایه اندک اما با بهره مناسب و دسترسی سریع و آسان عملا مؤثرتر از وام‌ها و سرمایه‌های کلان و دور از دسترس می‌باشد (Remeny and Benjameen, 1994). حیدری سنگلچی(۱۳۷۵) تأکید دارد اعتبارات بانکی بر انباشت سرمایه و ارزش افزوده بخش کشاورزی تأثیر مثبت داشته است. افتخاری و عینالی (۱۳۸۴) تأثیر اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه روستایی را در حد بالایی ارزیابی نموده‌اند، آنان اعتبارات خرد را زمینه‌ساز ارتقای افزایش درآمد، اشتغال زایی و کاهش مهاجرت دانسته‌اند. افتخاری (۱۳۸۵)، عقیده دارد اعتبارات خرد بانک کشاورزی در قالب تعاونی‌های خودجوش، ۵ درصد در توسعه فعالیت‌های کشاورزی نقش داشته است.

اثربخشی اعتبارات خرد در ناحیه مورد مطالعه، اساسا متأثر از انگاره سنتی بوده است؛ به‌طوری که رشد اقتصادی، هدف اصلی برای واحدهای اقتصادی نسبتا بزرگ و در چارچوب سازمان کاری بانک کشاورزی و مبتنی بر روابطی رسمی و بورکراتیک استوار است. در این چارچوب، توسعه کشاورزی و نهایتا توسعه روستایی به پایداری به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی منتهی شده است (شکل ۱).

[1] Grameen Bank

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

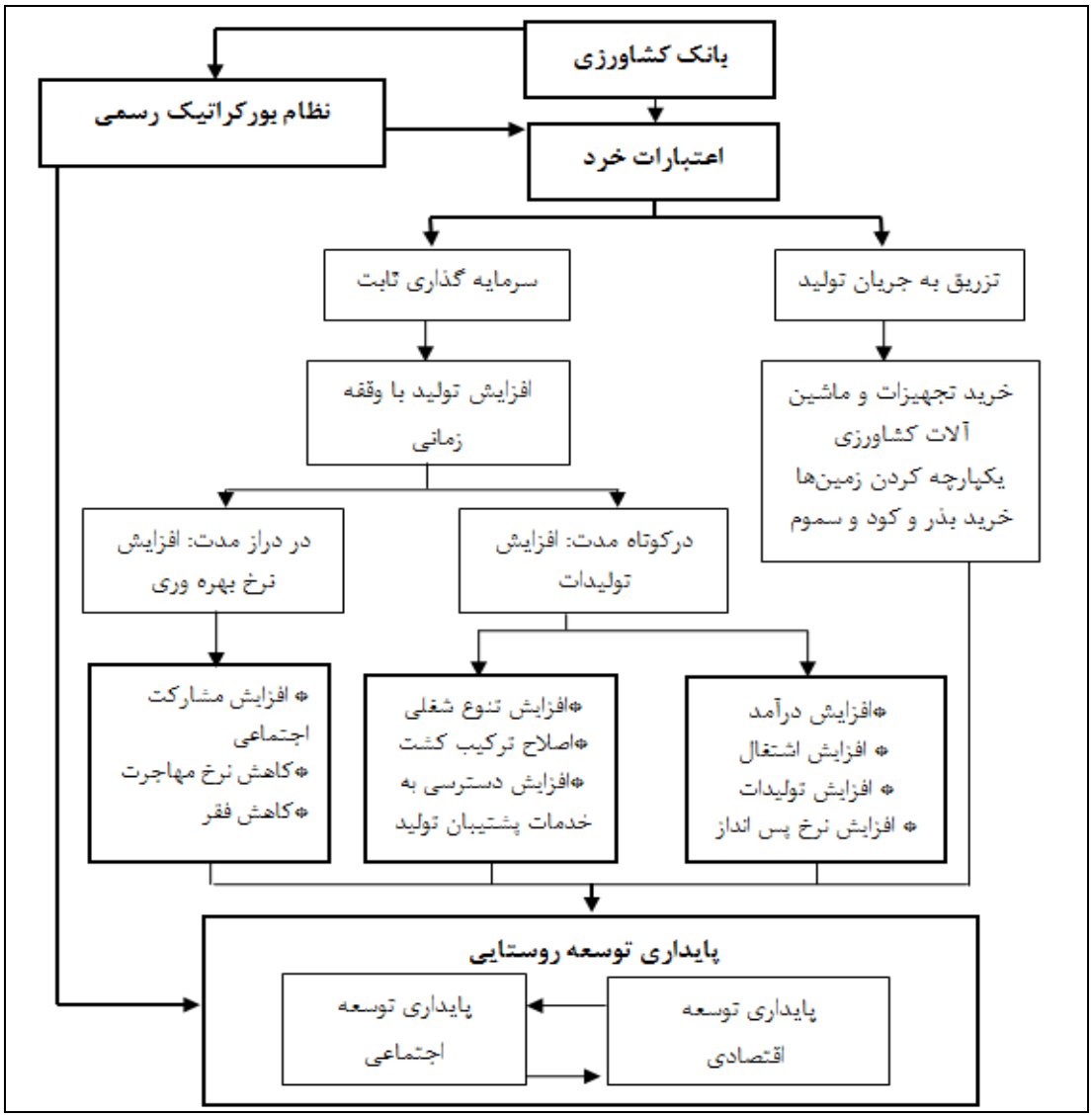

شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

۳) روش تحقیق

تحقیق دارای روشی توصیفی – تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه کشاورزان بهره‌بردار روستاهای دهستان کرسف استان زنجان (۲۰ روستا)، کارشناسان اداره جهاد کشاورزی (۱۰ کارشناس) و بانک کشاورزی (۵کارشناس) شهرستان خدابنده بوده است. برای تعیین حجم نمونه و نمونه‌گیری مراحل زیر سپری شد:

ابتدا برای انتخاب روستاهای نمونه، تعداد روستاهای برخوردار از اعتبارات خرد شناسایی و بر طبق فراوانی واحدهای بهره‌بردار برخوردار رتبه‌بندی شدند. از بین ۲۰ نقطه روستایی که از وام برخوردار شده بودند، با روش تخمینی مبتنی بر تجربیات پژوهشی مشابه، حجم نمونه ۴ روستا تعیین شد و با روش نمونه‌گیری هدفمند، روستاهای کرسف، پسکوهان، کره چال و دلایرسفلی انتخاب شده است. سپس برای انتخاب واحدهای بهره‌بردار کشاورز، با استفاده از روش کوکران از ۲۲۰۰ واحد بهره‌بردار برخوردار از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

اعتبارات خرد (که بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲حداقل یک بار وام کشاورزی دریافت کرده‌اند) ۱۵۷واحد بهره‌بردار تعیین شد و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی، افراد نمونه در سطح چهار روستا انتخاب شده است. همچنین کارشناسان مورد نظر نیز به روش تمام شماری مورد پرس‌وجو قرار گرفته‌اند.

معیارهای همچون اعتبارات بانکی در زمینه فروش اقساطی ماشین آلات، ایجاد تأسیسات دامداری، اعتبارات در زمینه حفر چاه، تهیه موتور، صرفه‌جویی در هزینه و زمان کاشت، داشت و برداشت، ایجاد اشتغال، افزایش تولید، افزایش درآمد و جلوگیری از مهاجرت روستاییان برای سنجش اثربخشی انتخاب شده است. جمع آوری اطلاعات با روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. در روش میدانی از فن پرسشگری و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. مقیاس سنجش داده‌ها، با توجه به ماهیت ذهنی معیارها، مقیاس ترتیبی بوده است. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب از دیدگاه خبرگان و روش آلفای کرونباخ، با تأکید بر همسایی درونی داده‌ها استفاده شد. ضریب کل آلفا ۰/۸۲ محاسبه شده پایایی بالاپرسشنامه را نشان می‌دهد. برای تحلیل اطلاعات از آزمون T تک نمونه‌ای و استدلال عقلایی استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه در این پژوهش دهستان کرسف بخش مرکزی شهرستان خدابنده (در استان زنجان) بوده است. فاصله مرکز دهستان کرسف تا شهر خدابنده حدود۱۰ کیلومتر است. ساختار محیطی، به‌ویژه توپوگرافی هموار و شرایط اقلیمی مناسب شرایطی فراهم نموده است تا روستاییان دهستان کرسف عمدتا در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت باشند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ این ناحیه در حدود ۱۲۹۵۷ نفر جمعیت داشته است (یکی از روستاهای محدوده مورد نظر (روستای کرسف) در سال ۱۳۹۲ با تعداد جمعیت ۴۹۲۸ نفر به شهر تبدیل شده است). بررسی نرخ رشد جمعیت در ۲۵ سال گذشته نشان می‌دهد که این ناحیه از نرخ رشد مثبت (۰/۸ درصد) برخوردار است. بر اساس اطلاعات سال ۱۳۹۲، ۱۹۳۴واحد بهره بردار زراعی و باغی در روستاهای دهستان بر روی ۲۵۹۰۰ هکتار (اراضی زراعی دیمی)، ۶۵۰ هکتار (اراضی آبی) و۸۲۰ هکتار (اراضی باغی) مشغول فعالیت بوده‌اند. البته، برخی از روستاییان در فعالیت طیوداری و زنبورداری نیز فعالیت می‌کنند که از فراوانی بالایی برخوردار نیست.

۴) یافته‌های تحقیق

الف) نوع و دامنه اعتبارات خرد کشاورزی در محدوده مورد مطالعه

بر پایه اطلاعات اخذ شده از جهاد کشاورزی شهرستان، اعتبارات خرد (تسهیلات بانکی) اختصاص یافته، در سه فعالیت اصلی زراعت، باغداری و دامداری بخش کشاورزی هزینه شده است. در این سه فعالیت، در طول سال‌های ۱۳۸۵- ۱۳۹۲ در حدود ۳۰۰۰۰ فقره وام با مبالغ متفاوت به بهره‌برداران اعطا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

گردیده است. سهم برخورداری از این وام در بین فعالیت‌های مختلف متفاوت است. در دوره زمانی مورد بررسی، سهم فعالیت‌های زراعی و باغی به نسبت فعالیت دامداری بیشتر بوده است(جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲).

بر پایه اطلاعات میدانی، از کل ۱۵۷ نفر بهره بردار کشاورز نمونه، ۲۹,۹ درصد بهره‌برداران (۴۷ واحد) از تسهیلات بانکی بیشتر از ۱۰۰ میلیون ریال (برای خرید ماشین آلات کشاورزی، آبیاری تحت فشار، زنبورداری، مرغداری، حفر تجهیز چاه و دامداری) بهره‌مند شده‌اند. تسهیلات بانکی ۱۰ – ۳۰ میلیون ریالی با نسبت ۲۸,۷ درصد بیشترین میزان وامی است که بهره‌برداران کشاورزی دریافت نموده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره(۲): میزان وام دریافتی واحدهای بهره بردار کشاورز در محدوده مورد مطالعه

میزان وام به میلیون ریال	تعداد	درصد	نوع فعالیت	روستاهای نمونه برخوردار
کمتر از ۱۰	۲۰	۱۲,۷	زراعت	همه روستاها
۱۰-۳۰	۴۵	۲۸,۷	زراعت	همه روستاها
۳۰-۵۰	۳۳	۲۱	دامداری	همه روستاها
۵۰-۱۰۰	۱۲	۷,۶	طیور	همه روستاها
بیشتر از ۱۰۰	۴۷	۲۹,۹	خرید ماشین آلات و آبیاری تحت فشاری	کرسف،دالایر سفلی، پسکوهان
مجموع	۱۵۷	۱۰۰	-	

منبع: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۲.

ب) اثرات اجتماعی و اقتصادی اعتبارت خرد کشاورزی

شاخص‌های اجتماعی از جمله شاخص‌های مهم توسعه روستایی با توجه به دیدگاه‌های غالب توسعه هستند. این شاخص‌ها در کنار شاخص‌های اقتصادی می‌تواند در تحقق توسعه روستایی نقش مؤثر ایفا نمایند. بر مبنای نتایج جدول شماره ۳، در چارچوب دیدگاه کارشناسان، بین اعتبارات خرد کشاورزی و تغییر در شاخص‌های توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، تغییر در شاخص‌های توسعه اجتماعی نمی‌تواند متأثر از اعتبارت خرد کشاورزی باشد. از نظر کارشناسان، توسعه اجتماعی روستا متاثر از مدیریت یکپارچه و پایدار روستایی(روابط متقابل روستا و شهر)، رشد فرهنگی و ورود فناوری اطلاعات به روستاها است. ولی، از نگاه روستاییان، این رابطه معنی‌دار است. روستاییان افزایش تولید کشاورزی و درآمد را وسیله ای برای بهبود وضع مسکن، امید به زندگی و کاهش مهاجرت می‌دانند. اما معناداری آن چندان قوی نیست. این تفاوت نگرش متاثر از زمینه های فکری دو گروه مورد مطالعه است. کارشناسان بر این باورند که این میزان از اعتبارات خرد از اثربخشی چندانی به نسبت سایر اقدامات دولت برخوردار نیست و اساسا این اقدام تنها توانسته بر روی برخی از شاخص آنهم خیلی کم اثر بگذارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

این در حالی است که، روستاییان بعلت سطح درآمدی پایین و سرمایه مالی کم برای توسعه فعالیت، این اعتبارات را هرچند کم تاثیرگذار می دانند.

در بین شاخص‌ها، شاخص کاهش نرخ مهاجرت با اعتبارت خرد رابطه معناداری دارد. سایر شاخص‌ها، به‌ویژه کاهش فقر که یکی از اهداف اصلی راهبرد اعتبارات خرد در نواحی روستایی است، تأثیری از این عامل نپذیرفته است.

جدول شماره (۳): سنجش اثرات اجتماعی اعتبارات خرد کشاورزی با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

مؤلفه‌های اجتماعی	فراوانی		میانگین		انحراف معیار		Tمقدار		درجه آزادی		سطح معناداری-p value	
	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان
کاهش نرخ مهاجرت	۱۵	۱۵۷	۳.۲۰	۳.۳۶	۱.۲۰	۰,۹۷	.۶۴۲	۴.۶۶۶	۱۴	۱۵۶	.۵۳۱	.۰۰۰
افزایش مشارکت اجتماعی	۱۵	۱۵۷	۳.۳۳	۳.۰۴	.۸۱	۱,۰۵	۱.۵۸۱	.۵۲۸	۱۴	۱۵۶	.۱۳۶	.۵۹۸
کاهش فقر	۱۵	۱۵۷	۳.۶۰	۳.۲۴	۱.۰۵	۱,۲۲	۲.۲۰۱	۲,۵۴۵	۱۴	۱۵۶	.۰۴۵	.۰۱۲
مجموع مؤلفه‌ها	۱۵	۱۵۷	۳.۳۷	۳.۲۱	.۸۸	۰,۸۶	۱.۶۶۱	۳.۱۶۰	۱۴	۱۵۶	.۱۱۹	.۰۰۲

اعتبارات خرد کشاورزی، اگرچه حوزه تأثیر آن، نظام اقتصاد کشاورزی روستاها است. ولی، در محدوده مورد مطالعه نتوانسته است، اثرات مناسبی بر توسعه اقتصادی داشته باشد. بررسی رابطه معناداری بین دو متغیر اعتبارات خرد و شاخص‌های توسعه اقتصادی نشان می‌دهد (جدول ۴) که رابطه قوی بین آنها وجود ندارد. به‌عبارت دیگر تأثیرپذیری متغیر توسعه اقتصادی تحت تأثیر عواملی دیگر است. در واقع، بین نرخ اشتغال، متنوع‌سازی اشتغال روستایی و اصلاح ترکیب کشت با اعتبارات خرد، رابطه معنی‌داری وجود ندارد و این شاخص‌ها تحت تأثیر عامل اعتبارات خرد قرار نگرفته است. از طرف دیگر، شاخص‌های افزایش درآمد، افزایش تولیدات، افزایش پس انداز و افزایش دسترسی به خدمات پشتیبان تولید، شاخص-هایی هستند که رابطه معناداری با اعتبارات خرد کشاورزی دارند. به‌عبارتی، این شاخص‌ها از اعتبارات خرد تأثیر مثبت پذیرفته، وضعیت آنها تغییر نموده است. البته، مقایسه میانگین داده‌ها با میانگین آماری نشان می‌دهد تأثیرپذیری این شاخص‌ها از نگاه کارشناسان و کشاورزان متفاوت است. در این بین قضاوت کشاورزان در اثرپذیری شاخص‌ها واقع بینانه‌تر از کارشناسان دستگاه های اجرایی است. بعنوان مثال، کشاورزان تأثیر عامل اعتبارات را بر افزایش دسترسی به خدمات پشتیبان تولید، افزایش تولیدات و افزایش پس‌انداز را کمتر از کارشناسان ارزیابی کرده‌اند (جدول ۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

جدول شماره (۴): سنجش اثرات اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

مؤلفه‌های اقتصادی	فراوانی		میانگین		انحراف معیار		مقدار T		درجه آزادی		سطح معناداری-p value	
	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان	کارشناسان	کشاورزان
افزایش درآمد	۱۵	۱۵۷	۳.۴۶	۳.۸۲	.۷۴	.۸۸	۲.۴۳	۱۱.۶۹	۱۴	۱۵۶	.۰۰۵	.۰۰۰
افزایش اشتغال	۱۵	۱۵۷	۳.۴۰	۲.۹۸	.۸۲	۱.۰۶	۱.۸۷	-.۲۲	۱۴	۱۵۶	.۰۸۲	.۸۲۲
افزایش تولیدات	۱۵	۱۵۷	۴.۰۶	۳.۹۱	.۷۰	.۶۹	۵.۸۷	۱۶.۴۹	۱۴	۱۵۶	.۰۰۰	.۰۰۰
افزایش پس‌انداز	۱۵	۱۵۷	۳.۴۶	۳.۸۲	۱.۱۱	۱.۰۸	۲.۴۳	۱۱,۶۹	۱۴	۱۵۶	.۰۰۵	.۰۰۰
افزایش تنوع شغلی	۱۵	۱۵۷	۳.۴۰	۲.۸۲	.۹۱	۱.۲۳	۱.۷۰	-۱.۸۱	۱۴	۱۵۶	۰.۱۱	۰.۷۲
اصلاح ترکیب کشت	۱۵	۱۵۷	۳.۴۰	۳.۲۴	.۹۱	۱.۲۰	۱.۷۰	۲.۲۹	۱۴	۱۵۶	۰.۱۱	۰.۱۱
افزایش دسترسی به خدمات پشتیبان تولید	۱۵	۱۵۷	۳.۸۶	۲.۵۰	.۷۴	.۹۵	۴.۵۲	-۶.۵۴	۱۴	۱۵۶	.۰۰۰	.۰۰۰
مجموع مؤلفه‌ها	۱۵	۱۵۷	۳.۴۰	۳.۰۹	.۶۰	.۵۱	۲.۵۹	۲.۳۲	۱۴	۱۵۶	.۰۰۳	.۰۰۳

ج) تحلیل عوامل مؤثر بر اثربخشی اعتبارات خرد کشاورزی

سنجش میزان اثربخشی اعتبارات خرد کشاورزی در توسعه روستایی نشان داده است که برخی از شاخص‌ها در این اثربخشی از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده است. در بین مجموعه شاخص‌ها، افزایش تولیدات کشاورزی (به‌ویژه تولیدات زراعی) بیشترین تأثیر را در اثربخشی اعتبارات خرد داشته است. البته، در کنار این شاخص، افزایش درآمد، افزایش پس‌انداز و کاهش نرخ مهاجرت نیز از اهمیت برخوردار بوده‌اند.

بررسی دقیق مسئله بر این نکته تأکید دارد که اعتبارات خرد اگرچه، بر برخی از شاخص‌های توسعه روستایی تأثیر داشته است. ولی، نتوانسته زمینه پایداری یکپارچه روستایی را در ابعاد اجتماعی و اقتصادی به‌دنبال داشته باشد. اعتبارات خرد از اگرچه رشد اقتصادی را از طریق افزایش درآمد ناخالص واحدهای بهره بردار روستایی دنبال می کند. ولی، ضروری است تا ابعاد دیگر توسعه و شاخصهای آن را مورد توجه و تاکید قرار دهد تا از این طریق بستر پایداری روستاها فراهم شود. از جمله این شاخص می توان به حفاظت محیط زیست، تقویت سرمایه اجتماعی (از طریق حفظ ارزشهای و هنجارهای اجتماعی، ارتقای انسجام، امنیت و مشارکت اجتماعی) و افزایش کارایی و بهره وری اقتصادی اشاره نمود. این وضعیت می تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد. در این بین، رویکرد حاکم بر اجرای سیاست اعطای اعتبارات خرد کشاورزی از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی تطبیقی اصول حاکم بر نحوه‌ی اعطای اعتبارات نشان می‌دهد که در محدوده مورد مطالعه، تفکر سنتی (متأثر از دیدگاه رشد اقتصادی) غالب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

بوده است. بعبارت دیگر رشد و توسعه تک ساحتی محدوده مورد مطالعه متاثر اعتبارات خرد، متاثر از تفکر سنتی حاکم بر نقش آن (اعتبارت) در ایجاد تحول مثبت در نواحی روستایی است. در این تفکر:

- هدف؛ سرمایه‌گذاری، سوداگری سرمایه و سودآوری است؛
- مخاطبان؛ تولیدکنندگان و کشاورزان بزرگ و غالبا مردان هستند؛
- منابع مالی مورد نظر؛ منابع دولتی و بازار سرمایه بیرونی و شهری است؛
- شیوه مدیریت؛ متمرکز و از بالا به پایین است؛
- سازمان کار؛ دولتی با بنگاه‌های مالی و سازمان‌های بزرگ است و نهایتا؛
- شیوه فعالیت؛ روابط رسمی و قانونی است.

در بین این اصول، اگرچه برخی از آنها با چارچوب حاکم بر اعطای اعتبارات خرد در محدوده انطباق ندارد. ولی، چند اصل در انطباق کامل با اصول رویکرد سنتی است که سبب شده تا اعتبارات خرد از اثربخشی مطلوبی برخوردار نباشد. تأکید بر سوداگری سرمایه، منابع مالی غیربومی و عمدتا دولتی (بانک کشاورزی)، مدیریت متمرکز (نقش پذیری دولت (سازمان جهاد کشاورزی)) و روابط رسمی و قانونی (نظام بورکراتیک رسمی) مهم‌ترین این اصول هستند که در نهایت سبب شده اند تا پایداری یکپارچه توسعه روستایی تحقق پیدا نکند.

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به هدف، سوالات طرح شده و مدل مفهومی پژوهش، در چارچوب مقاله حاضر نتایج زیر به‌دست آمده است:

- اعتبارات خرد کشاورزی تأثیر یکسان و یکپارچه بر شاخص های ابعاد توسعه بویژه ابعاد اجتماعی – اقتصادی ندارد. این ویژگی سبب شده است تا اعتبارات خرد سبب پایداری اثرات توسعه در گستره فضایی نواحی روستایی نشود؛

- سازوکار اجرایی اعطای اعتبارات خرد کشاورزی متأثر از رویکرد سنتی (رشد اقتصادی) از کارآمدی لازم برخوردار نیست. در این ساختار، مدیریت متمرکز (از بالا به پایین) و روابط رسمی و قانونی سبب شده تا منابع مالی ماهیتی محلی و متکی بر پس اندازهای خرد مردم نبوده و از پایداری برخوردار نباشد؛ بررسی تجربیات برخی از کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا نظیر گرامین بانک و بانک آمنا نشان داده است که اعتبارات خرد زمانی که زمینه ارتقای روحیه اعتماد به نفس و خوداتکایی سرپرست خانوارهای روستایی را مدنظر داشته است، این سیاست توانسته اثرات مطلوب تری بر وضعیت روستاییان و نهایتا روستاها داشته باشد. از این رو، ضروری است در کشور و ناحیه مورد مطالعه تفکر حاکم بر اعطای اعتبارات خرد مبتنی بر اصول زیر مورد بازبینی قرار گیرد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

- هدف؛ توانمندسازی و رفع فقر از طریق به جریان انداختن سرمایه و ایجاد فرصت اشتغال، تقویت ثروت اجتماعی و تولید باشد؛
- مخاطبان؛ روستاییان و فقرا با اولویت زنان باشند؛
- منابع مالی مورد نظر؛ منابع محلی و مبتنی بر پس اندازهای خرد مردم محلی باشد؛
- شیوه مدیریت؛ غیرمتمرکز و متکی به مردم باشد؛
- سازمان کار؛ متنوع، شبکه ای و متناسب با اندازه اقتصادی باشد و نهایتا؛
- شیوه فعالیت؛ مبتنی بر روابط غیر رسمی در چارچوب قواعد بومی باشد.

۶) منابع

- باقری، مهرداد و بهاالدین نجفی، (۱۳۸۳)، **بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت اعتبارات کشاورزی**، فصل نامه پژوهشهای اقتصادی ایران، تابستان، دوره ششم، شماره ۱۹، صفحه ۹۷- ۱۱۵.
- بختیاری، صادق، (۱۳۸۴) ، **مفاهیم و تعاریف و سابقه اعتبارات خرد با نگاهی به عملکرد بانک کشاورزی**، مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، ۱۹-۲۰ آذر ماه، تهران.
- سازمان جهاد کشاورزی(۱۳۹۲)، **گزارش عملکرد اعطای تسهیلات خرد به روستاییان**، انتشارات جهاد کشاورزی، خدابنده.
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۸)، **الگوهای خدمات رسانی روستایی**، انتشارات بنیاد مسکن، تهران.
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۴)، **مبانی جغرافیای روستایی**، انتشارات سمت، تهران.
- سلامی، حبیب الله و حسین طلاچی لنگرودی، (۱۳۸۱)، **اندازه‌گیری بهره‌وری در واحدهای بانکی: مطالعه موردی بانک کشاورزی**، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، پاییز، دوره دهم، شماره ۳۹، صفحه ۷- ۲۶تهران.
- عمادی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، **نقش اعتبارات خرد در تسریع فرایند توسعه روستایی**، مقایسه دو دیدگاه، همایش توسعه‌ی روستایی و کاهش فقر بانک کشاورزی، تهران.
- هجرتی، محمدحسن، (۱۳۷۹)، **جغرافیا و توسعه روستایی**، انتشارات مرکز فرهنگی آبا، گناباد(خراسان).
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، **سرشماری عمومی کشاورزی، شناسنامه دهستانی**، جلددوم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، سایت اطلاع رسانی.
- مطیعی لنگرودی، حسن و ابراهیم شمسایی، (۱۳۸۶)، **توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال۲۶، شماره ۵۸، ص۱۰۱-۸۴ .
- نوری نائینی، سیدمحمدسعید، (۱۳۸۴)، **اهداف هزاره، اعتبارات خرد و توسعه روستایی در ایران**، مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، ۱۹-۲۰ آذر ماه، تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]

- Douglas, P. (2003), **Financial services for the rural poor, helping to improve Donor effectiveness in microfinance, Donor Brief**, No.15, October2003, CGAP Donor Information Resource Centre(DIRECT)
- Escap, L, (1994), **Form Citizen Participation to Community Empowerment**, American Journal of Community Psycholoqy, October 1995, Volume 23, Lssue 5, P657-676.
- Remenyi, Joe and Benjameen Quinounes JR, (1994), **Microfinance and Poverty Alleviation, case Studies from Asia and Pacific**. London: Pinter publication.
- Khander, S.R, (1998), **fighting poverty with microcredit: Experience in Bangladesh**, New York: Oxford University Press.
- Mayo, Selz c, (1958), **An approach to the Understanding Of Rural Community Development**, Social Forces, Vol. 37, No. 2. Dec.58, p. 95.
- Sial, M.H, (1990), **Impact of agricultural credit on small farm productivity in Punjab-Pakistan, Thesis, University of Wisconsin, Madison.**
- Seibel, (2001), **Rural finance for the poor: from unsustainable projects to sustainable institution**, IFAD (Rome 2001). www.uni-koeln.de/ew-fak/aef/05-2004/2001-6%20Mainstreaming%20Informal%20FIs.pdf
- Tilakaratan, S .(1996**). Credit Schemes for Rural Poor: Some Conclusion and Lessons from Practice, International Labor Organization** (ILO). Website http//www.ILO.org.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.57]